



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ لَهُمْ مَا تَشَاءُ

نیاز سنجی آموزشی



دکتر سید حسین عبادی

پاپر ۱۳۹۹

Training Needs Assessment



[دکتر
عبادی]

طبقه بندی انواع نیازسنجی برنامہ درسی

در مطالعات نیازسنجی، چالش دوگانه‌ای وجود دارد. از یکسو نیازسنجی به عنوان یک قلمرو تعلیم و تربیت مبحثی نوپاست و از سوی دیگر نیازسنجی، دارای ماهیتی پیچیده و دشوار است. از اینرو ضروری است قبل از پرداختن به بحث نیازسنجی در برنامه‌ریزی، ماهیت نیازسنجی و انواع مختلف آن به دقت مورد بحث و بررسی قرارگیرد.

۱- خاستگاه نیازسنجی.

۷- تداوم نیازسنجی.

۲- دامنه عمل نیازسنجی.

۸- منبع اقتدار.

۳- سطوح تصمیم‌گیری.

۹- اطلاعات نیازسنجی

۴- موارد به کارگیری نیازسنجی.

۱۰- ابعاد نظام.

۵- هدف نیازسنجی.

۱۱- جهت‌گیری زمانی.

۶- شکل نیازسنجی.

۱۲- مراحل برنامه‌ریزی.



طبقه بندی نیازسنجی بر اساس خاستگاه نیازسنجی

نیازسنجی می تواند توسط مقامات آموزشی ملی و محلی، مدارس، دانشگاه ها و مؤسسات موجود در سطح جامعه محلی انجام شود (Maurice, 1998). منظور از خاستگاه نیازسنجی این است که در چه محلی نسبت به بررسی نیازها اقدام می گردد. در صورتی که نیازسنجی در یک محل یا مکان ویژه به منظور شناسایی نیازها و مسائل همان محل انجام شود، به آن نیازسنجی ویژه یا استفاده کننده - محور گویند. برای مثال هنگامی که نیازسنجی در سطح یک مدرسه یا منطقه آموزشی صورت می پذیرد و از نتایج آن برای تدوین و یا تعدیل برنامه های همان منطقه یا مدرسه استفاده می شود، به آن نیازسنجی موردی گویند.

در عوض نیازسنجی می تواند از لحاظ حیطة مطالعه و دامنه کاربرد، حالت عمومی و فراگیر داشته باشد. نیازسنجی عمومی به آن نوع از نیازسنجی اطلاق می شود که در یک محل یا مکان خاص صورت می پذیرد اما در تمام مناطق یک استان و یا کلیه استان های یک کشور مورد استفاده قرار می گیرد.



طبقه بندی نیازسنجی بر اساس دامنه عمل

طبقه بندی دیگر نیازسنجی می تواند برحسب قلمرو و دامنه عمل صورت پذیرد. در چنین وضعیتی قلمرو نیازسنجی می تواند برنامه درسی خرد یا برنامه درسی کلان باشد. منظور از برنامه درسی خرد عبارت است از یک برنامه درسی خاص (در سطح مدرسه یا نظام آموزشی) و برنامه درسی کلان ناظر است بر کلیه برنامه های درسی (Goodlad, 1991). به این اعتبار نیازسنجی در برنامه درسی خرد، به بررسی نیازها و تعیین اولویت ها در سطح یک برنامه درسی خاص می پردازد، در حالی که نیازسنجی برنامه درسی کلان، طیف وسیعی از برنامه های درسی را در سطح یک پایه تحصیلی، یک مقطع تحصیلی و حتی نظام برنامه درسی را دربرمی گیرد. طبقه بندی نیازسنجی برحسب برنامه درسی خرد و کلان در کلیه سطوح نظام برنامه درسی، حتی در سطح مدرسه، امکان پذیر است.



طبقه بندی نیازسنجی بر اساس سطوح تصمیم گیری

طبقه بندی دیگر از نیازسنجی برنامه درسی برحسب سطوح تصمیم گیری است. با تأسی از سطوح تعریف شده در ادبیات برنامه درسی (نگاه کنید به Goodlad and Klein, 1991; Su, 1994) می توان انواع مختلف نیازسنجی برنامه درسی را به شرح زیر طبقه بندی کرد (Fathi, 1991):

الف) نیازسنجی کلان قراتراز موضوع درسی (MLSFNA): در این سطح نیازسنجی در قلمرو ملی و به منظور تهیه و تدارک ایدئولوژی برنامه درسی صورت می پذیرد. نیازسنجی کل نظام برنامه درسی را تحت پوشش قرار می دهد و محصور به موضوع درسی خاصی نیست.

ب) نیازسنجی کلان متمرکز بر موضوع درسی (MLSSNA): در این سطح نیازسنجی در قلمرو ملی یا ایالتی (استانی) انجام می شود و ضمن تمرکز بر یک موضوع درسی ویژه، به دنبال تدوین چارچوب برنامه درسی است.

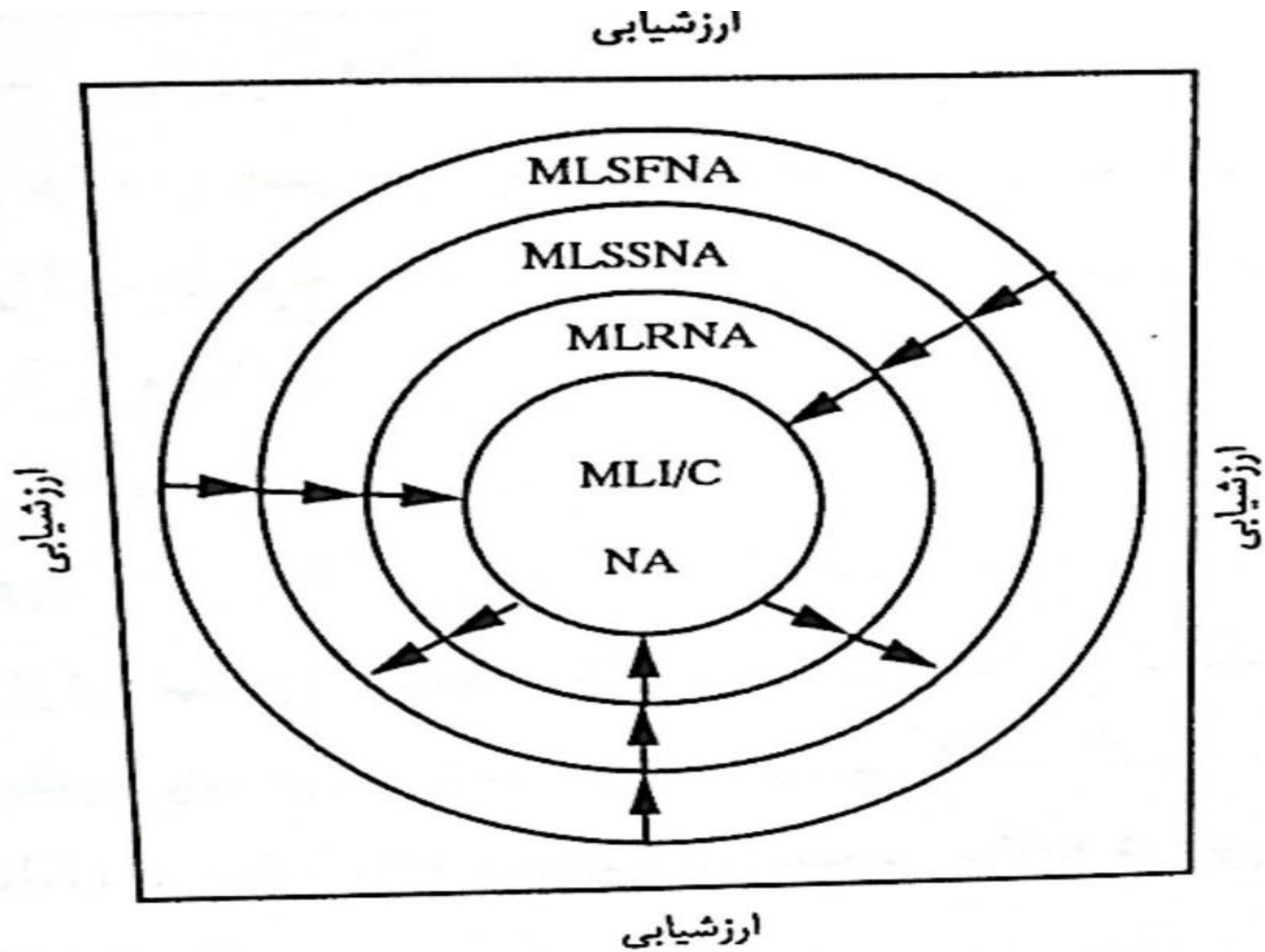
ج) نیازسنجی خرد - منطقه ای (MLRNA): نیازسنجی در این سطح در چارچوب یک منطقه آموزشی انجام می پذیرد و ضمن تمرکز بر موضوع درسی خاص، چارچوب تدوین شده در سطح قبلی را بر مبنای نیازهای منطقه ای تعدیل می کند.

د) نیازسنجی خرد - مؤسسه ای (MLI/CNA): نیازسنجی در این سطح محدودترین و در عین حال دقیق ترین شکل نیازسنجی است که در چارچوب یک مدرسه یا مؤسسه آموزش صورت می پذیرد و عمدتاً ناظر است بر تعدیل برنامه درسی با شرایط اجرایی و انتخاب

کتاب درسی.



سطوح تصمیم‌گیری برنامه درسی



طبقه بندی نیازسنجی بر اساس موارد کاربرد

طبقه بندی نیازسنجی برحسب موارد کاربرد توسط کافمن انجام شده است. (Kaufman, 1972) به زعم وی با توجه به کاربرد، می توان شش نوع متمایز نیازسنجی را به شرح زیر شناسایی نمود:

الف) نیازسنجی آلفا: این نوع نیازسنجی با بررسی و تهیه و تدوین انواع سیاست ها و خط مشی ها ارتباط دارد. در نیازسنجی آلفا هدف اصلی آن است که باید ها و نقایط مطلوب مشخص گردد و مسیر معینی برای شروع فعالیت های برنامه ریزی یا ایجاد تغییر در برنامه معین شود.

ب) نیازسنجی بتا: نیازسنجی بتا با استفاده از اهداف، مقاصد و سیاست های موجود؛



طبقه بندی نیازسنجی بر اساس موارد کاربرد

فاصله و اختلاف بین سیاست‌های عملی و در حال اجرا را با نقاط ایده‌آل و آرمانی مقایسه و نتیجه را برای تغییر وضعیت موجود پیشنهاد می‌کند.

(ج) نیازسنجی گاما^(۱): نیازسنجی گاما به آن نوع نیازسنجی اطلاق می‌گردد که هدف اصلی آن تعیین اولویت اهداف و مقاصد است تا بر مبنای اولویت‌ها، سایر عناصر برنامه سازمان‌دهی شود.

(د) نیازسنجی دلتا^(۲): چهارمین نوع نیازسنجی از دیدگاه کافمن، به دنبال بررسی شقوق مختلف عمل، و انتخاب بهترین راه (طرح) ممکن است.

(ه) نیازسنجی اپسیلون^(۳): در این نوع نیازسنجی، شکاف بین نتایج حاصله و اهداف تعیین شده اندازه‌گیری می‌شود. این نوع نیازسنجی به مفهوم ارزشیابی برنامه بسیار نزدیک است.

(و) نیازسنجی زتا^(۴): این نوع نیازسنجی به دنبال ایجاد تغییر و تحول در بخش خاصی از برنامه بدون ایجاد تغییر در ساختار و چارچوب کلی آن می‌باشد، و برای این منظور در خصوص جنبه موردنظر، اطلاعات و شواهد کافی جمع‌آوری می‌شود.



طبقه بندی نیازسنجی بر اساس هدف نیازسنجی

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نیازسنجی می‌تواند در خدمت اهداف مختلفی باشد که مهم‌ترین موارد آن به شرح زیر است (Soriano, 1995).

الف) کشف: گاهی اوقات مطالعات نیازسنجی در برنامه‌ریزی می‌تواند به دنبال شناسایی نیازهای اساسی باشد. برخلاف تصورات رایج نیازها وضع شدنی نیستند و باید آنها را در زمینه‌ها و گروه‌های مختلف مخاطبان کشف نمود.

ب) آزمون کردن: در پاره‌ای از موارد هدف نیازسنجی روشن‌سازی این امر است که آیا نیازها در پرتو تغییرات پیشنهادی در برنامه‌ها، متحقق می‌شوند یا خیر؟

ج) تشخیص: هنگامی نیازسنجی دارای هدف تشخیص است که به دنبال درک بهترین راه یا طریق ممکن برای تحقق نیازها است. در بسیاری از موارد، این نوع نیازسنجی به وسیله معلمان در کلاس درس انجام می‌شود تا از طریق آن بتوانند بهترین شکل تحقق نیازهای دانش‌آموزان را دریابند.

د) ارزشیابی: و بالاخره هدف دیگر نیازسنجی می‌تواند ارزشیابی باشد. در چنین حالتی، مقصود بررسی این امر است که فاصله بین برنامه‌های موجود از تحقق نیازها چقدر است. برای حصول به این امر عمدتاً نسبت به مرور نتایج ارزشیابی‌ها، بررسی دیدگاه‌های معلمان، دانش‌آموزان و ... اقدام می‌گردد.



طبقه بندی نیازسنجی بر اساس شکل نیازسنجی

این طبقه بندی از نیازسنجی برحسب وسایل و ابزارهای مورد استفاده برای دستیابی به اطلاعات درباره نیازها صورت می پذیرد. در صورتی که ابزارها به طور مستقیم داده های نیازسنجی را فراهم سازند (نظیر پرسشنامه ها، مصاحبه ها و ...)، نیازسنجی به شکل مستقیم انجام می شود. در برخی دیگر از موارد نیازسنجی از طریق روش های غیرمستقیم که نیازمند تعبیر و تفسیر داده های حاصله است انجام می گیرد. بنابراین با توجه به شکل، نیازسنجی می تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد.



طبقه بندی نیازسنجی بر اساس تداوم نیازسنجی

نیازسنجی را می توان برحسب میزان تداوم آن طبقه بندی نمود. در چنین وضعیتی دو نوع نیازسنجی مقطعی (مجزا) و مداوم قابل شناسایی است. نیازسنجی مقطعی یا مجزا آن نوع نیازسنجی است که برای یکبار جهت جمع آوری اطلاعات صورت می پذیرد و برنامه معینی برای تکرار و پی گیری، آن وجود ندارد. برای مثال اجرای یک طرح نظرخواهی از دانش آموزان درباره مسائل مدرسه نوعی نیازسنجی مقطعی یا مجزا است. در عوض نیازسنجی می تواند زیرمجموعه ای از یک طرح ارزیابی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یا فعالیت های برنامه ریزی در سطح مدرسه یا منطقه آموزشی باشد که به طور مداوم اجرا می گردد.



طبقه بندی نیازسنجی بر اساس منبع اقتدار نیازسنجی

برحسب این ملاک دو نوع نیازسنجی را می توان از یکدیگر متمایز نمود. اول نیازسنجی حکم شده به موجب قانون یا دستورالعمل های آموزشی که در آن برنامه ریزان یا معلمان و مجریان موظفند در چارچوب وظایف رسمی و براساس قاعده معینی نیازسنجی را در مراحل مختلف طراحی، اجرا و یا ارزشیابی برنامه به انجام رسانند و نتیجه را به مقامات ذیربط گزارش نمایند.

شکل دیگر نیازسنجی عبارت است از آن دسته از فعالیت هایی که به طور خودجوش و براساس صلاحدید شخصی توسط برنامه ریزان یا مجریان و معلمان انجام می شود. این دسته از فعالیت های نیازسنجی عمدتاً به منظور بهبود عملکرد برنامه صورت می پذیرد و بیشتر ناشی از علاقه و دلمشغولی معلم یا برنامه ریز نسبت به نتایج عملکرد خویش است (Pack wood & Whitaker, 1988).



طبقه بندی نیازسنجی بر اساس اطلاعات نیازسنجی

اطلاعات نیازسنجی می تواند ثبت شده، یا ثبت نشده باشد. هنگامی که داده های حاصل از نیازسنجی براساس مصاحبه ها، پرسشنامه ها، نتایج ارزشیابی و مانند آن مستند می گردد، اطلاعات به دست آمده جنبه رسمی پیدا می کند. در عین حال داده های

ارزشمندی نیز وجود دارد که در ذهن شرکت کنندگان در فرایند آموزشی به صورت ثبت نشده باقی می مانند. نمونه بارز این نوع اطلاعات؛ تجربیات معلمان و پرسنل مدارس است که در بسیاری از موارد نادیده انگاشته می شود.

از سوی دیگر داده های نیازسنجی می تواند کمی یا کیفی باشد. داده های کمی به صورت عددی بیان می شوند و اندازه گیری و مقایسه را تسهیل می کنند (مانند نمرات دانش آموزان) در عوض داده های نیازسنجی می تواند کیفی باشد. برای مثال ثبت دیدگاه های افراد در خصوص یک موقعیت خاص یا جنبه ویژه ای از برنامه.



طبقه بندی نیازسنجی بر اساس ارتباط با ابعاد نظام برنامه ریزی

تمایز دیگری که بین انواع مختلف نیازسنجی می‌تواند انجام پذیرد، طبقه‌بندی نیازسنجی برحسب ارتباط آن با ابعاد مختلف نظام برنامه‌ریزی است. اطلاعات نیازسنجی می‌تواند مربوط به دروندادها (نظیر اطلاعات مربوط به دروس و چارچوب برنامه)؛ فرایندها (نظیر اطلاعات مربوط به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان که توسط مدرسه یا معلم جمع‌آوری می‌شود)؛ و یا بروندادها (مانند اطلاعات مربوط به نتایج آزمون‌ها) باشد. شاید بتوان گفت که اکثر داده‌های کمی با دروندادها و بروندادها ارتباط دارند، در حالی که داده‌های کیفی بیشتر با فرایندها ارتباط دارند (Pack wood, 1989).



طبقه بندی نیازسنجی بر اساس جهت گیری زمانی نیازسنجی

زمان، متغیر دیگری است که می توان بر مبنای آن انواع مختلف نیازسنجی را مشخص نمود. برحسب عنصر زمانی حداقل دو نوع نیازسنجی قابل شناسایی است.

الف) نیازسنجی حال نگر: جهت گیری زمانی نیازسنجی می تواند زمان حال باشد. به این معنا که نیازسنجی برای مصارف کوتاه مدت و اجرایی در یک محدوده معین به اجرا در می آید. برای مثال نیازسنجی دانش آموزان پایه اول ابتدایی یک مدرسه خاص، نوعی نیازسنجی حال نگر است و برای استفاده در زمان حال و کلاس درس خاص اجرا می گردد.

ب) نیازسنجی آینده نگر: جهت گیری زمانی نیازسنجی می تواند آینده نیز باشد. این امر به ویژه زمانی رخ می دهد که مسئولیت تدوین و طراحی برنامه در دست سازمان های مرکزی باشد و این سازمان ها، برنامه ها و طرح هایی را براساس نتایج نیازسنجی برای اجرای آتی در مراکز وابسته تدوین نمایند.



دکتر
عبادی



طبقه بندی نیازسنجی بر اساس مراحل برنامه ریزی

الف) نیازسنجی جهت دهنده: هدف اصلی نیازسنجی جهت دهنده مشخص کردن جهت گیری کلی برنامه در قالب اهداف و مقاصد است تا بر مبنای آن سایر عناصر برنامه مشخص گردد.

ب) نیازسنجی تصریح کننده: هدف اصلی این نیازسنجی، تصریح و تبیین هدف های ویژه برنامه براساس جهت گیری های احصاء شده در نیازسنجی جهت دهنده است.

ج) نیازسنجی تکمیل کننده: هدف اصلی این نیازسنجی که عمدتاً در مرحله اجرای برنامه صورت می پذیرد، فراهم آوردن اطلاعات تکمیلی در خصوص نیازسنجی، قبل از اجرای نهایی برنامه است تا داده های حاصله از نیازسنجی تصریح کننده را تکمیل نماید.

د) نیازسنجی تشخیصی: هدف اصلی نیازسنجی تشخیصی که در هنگام اجرای برنامه صورت می پذیرد، انطباق برنامه با شرایط اجرایی است.

ه) نیازسنجی تصحیح کننده: و بالاخره نیازسنجی تصحیح کننده که به عنوان یکی از اجزای طرح ارزشیابی پایانی برنامه به کار می رود، نیازهای مهمی که برنامه قادر به تحقق آنها نبوده را شناسایی و برای لحاظ کردن در سیکل بعدی برنامه ریزی، انجام اصلاحات لازم در طراحی یا اجرای برنامه و اجتناب از تکرار عقیم ماندن هدف های اساسی گزارش می کند.



طبقه بندی نیازسنجی بر اساس قلمرو نیازسنجی

نیازسنجی می تواند در قلمروهای مختلف انجام پذیرد. و این امر تا حدود زیادی به نظام برنامه ریزی آموزشی و درسی (درجه تمرکز و عدم تمرکز) بستگی دارد. با این حال از لحاظ تئوری، نیازسنجی می تواند در سطوح زیر صورت گیرد.

۱- نیازسنجی در سطح جهانی : نیازسنجی می تواند در سطح جهانی انجام پذیرد. مثلاً بررسی هایی که توسط برخی از سازمان های بین المللی در این خصوص انجام می شود.

۲- نیازسنجی در سطح ملی : نظام های متمرکز برنامه ریزی آموزشی و درسی معمولاً از این سطح نیازسنجی استفاده می کنند. در چنین وضعیتی سازمان یا بخش خاصی عهده دار گردآوری و تحلیل اطلاعات مربوط به نیازهای آموزشی است.

۳- نیازسنجی در سطح استانی : در این سطح، هر استان یا ایالت خاص، نیازهای آموزشی جامعه تحت پوشش خود را مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد.

۴- نیازسنجی در سطح منطقه ای : هنگامی که نیازسنجی در نظام غیرمتمرکز صورت می پذیرد، مناطق هر استان می توانند نیازهای آموزشی معلمان، مدیران، دانش آموزان و ... را مورد سنجش و تحلیل قرار دهند.

۵- نیازسنجی در سطح مؤسسه یا مدرسه : در این حالت، هر مدرسه یا سازمان، نیازهای



طبقه بندی نیازسنجی بر اساس قلمرو نیازسنجی

آموزشی خود را بررسی نموده و برنامه‌های ویژه‌ای برای رفع آنها طراحی می‌نماید. این مسئله خصوصاً در نظام‌هایی که "غیرمتمرکز" هستند، انجام می‌گیرد.

۶- نیازسنجی در سطح درس یا دوره : به طور ویژه، نیازسنجی می‌تواند برای هر درس یا دوره خاصی به طور جداگانه انجام شود. مثلاً در قالب یک دوره آموزشی ویژه، نگرش صاحب‌نظران در خصوص محتوا، موضوعات و اهداف ضروری آن دوره مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

علاوه بر تأثیر ساختار و نظام برنامه‌ریزی از لحاظ درجه تمرکز و عدم تمرکز، سطوح مورد استفاده برای نیازسنجی می‌تواند به موارد زیر بستگی داشته باشد:

- درجه کلیت یا ویژه بودن نیازها و اهداف (برای گروهی خاص یا برای کل جامعه).
- میزان وقت و منابع (انسانی، مالی و مادی) در دسترس.
- میزان و نوع اطلاعاتی که باید جمع‌آوری گردد.
- نوع ابزارها و تکنیک‌های جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات.



اهداف نیازسنجی ۱- فراهم سازی اطلاعات برای برنامه ریزی

شاید بتوان گفت که مهم ترین هدف مطالعات نیازسنجی، فراهم سازی اطلاعات برای برنامه ریزان بوده است. فرایند نیازسنجی می تواند منتج به شناسایی مقاصد، اهداف و میزان تحقق آن اهداف و مقاصد گردد. (Helmek, 1997.P.286). در سایر قلمروهای تعلیم و تربیت نیز نیازسنجی می تواند منجر به تدوین برنامه های کوتاه مدت و ضربتی و برنامه های بلند مدت و آینده نگر گردد. (Suarez, 1996.P.114).

با توجه به نقشی که نیازسنجی در طراحی و برنامه ریزی دارد، می توان ادعا کرد که نیازسنجی جزء جدایی ناپذیر برنامه ریزی است. تنها در صورتی که نیازها تعیین گردند و برحسب اولویت سازمان یا بند، می توان برنامه ای برای برطرف کردن آن نیازها ترتیب داد. با توجه به این نقش نیازسنجی (نتایج نیازسنجی، داده های مورد نیاز برنامه ریزی را کامل می کند) برخی این مؤلفه را مرحله پیش - برنامه ریزی قلمداد نموده اند



۲- ضرورت بهسازی برنامه‌ها - افزایش طول عمر برنامه

یکی از بحث‌های اساسی در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، ضرورت تناسب برنامه‌های موجود با نیازها و مسائل فردی و گروهی است. برای مثال، توجیه منطقی گنجاندن برنامه خاص در برنامه کلی مدارس، تناسبی است که آن برنامه با نیازهای دانش‌آموزان، جامعه و ... دارد (Helmek, 1997, P114). از آنجا که نیازها به دلیل تغییرات مداوم در ساختار اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، ... در هر جامعه متحول می‌شود، ضروری است که در برنامه‌ها تجدیدنظر به عمل آید و هماهنگی و همسویی آن با نیازهای تحول‌یابنده همواره حفظ شود (Dalziel, 1994, P.27).

افزایش طول عمر برنامه تنها از طریق شناسایی مسائل و مشکلات امکان‌پذیر است. برای چنین منظوری باید عناصر مختلف برنامه که فاقد اثربخشی و کارایی هستند، مورد اصلاح قرار گیرند (Burrton and Merrill, 1977). به این دلیل نیازسنجی به برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا تمام هم خود را معطوف مسائل بنیادی نمایند و برای برطرف کردن آنها، تصمیمات اساسی اتخاذ نمایند.

بدون سنجش نیازها، برنامه‌ریزان دچار این مشکل می‌شوند که راه‌حلی را (برای بهبود برنامه درسی) تدوین کنند، بدون آنکه با مسئله یا مسائل برنامه درسی ارتباطی داشته باشد (Unruh and Unruh, 1988, P.181). بنابراین به منظور بهسازی برنامه درسی، اولین قدم آن است که وجود مسئله‌ای محرز گردد و سپس از طریق فرایند نیازسنجی مشخص شود که مسئله در کجا وجود دارد، گستره و ابعاد مسئله چقدر است و به چه میزان حل آن مسئله دارای ضرورت و اهمیت است (Burrton and Merrill, 1977, p.21). به طور خلاصه می‌توان گفت که دلیل اصلی توجه به نیازسنجی در برنامه درسی، کمک به افزایش کارایی و اثربخشی برنامه درسی است.



۳- اجتناب از انحصارگرایی در برنامه ریزی و مشارکت عمومی

امروزه باور بسیاری از متخصصان و صاحب نظران بر آن است که در تصمیمات برنامه‌ای، در مراحل مختلف و به فراخور توانایی افراد، باید گروه‌های مختلف مشارکت داشته باشند. این رویه همراهی و مشارکت گروه‌های مختلف اجتماعی، والدین، دانش‌آموزان و ... را در برنامه‌ریزی آموزشی و درسی افزایش می‌دهد و برنامه‌های تدوین شده از حمایت‌های گروه‌های ذیربط برخوردار خواهد شد.

مشارکت گروه‌های مختلف نه تنها منجر به شناسایی نیازهای واقعی‌تر می‌گردد، بلکه این امکان را به وجود می‌آورد که بسیاری از تعارضات موجود میان افراد مختلف نظیر معلمان، یادگیرندگان، قانون‌گذاران، شهروندان، مدیران و سایر افراد ذیربط برطرف گردد (Ibid, P.123). به عبارت روشن‌تر با مشارکت گروه‌های ذیربط و با استفاده از ملاک‌های خاص برای شناسایی نیازها و تعیین اولویت‌ها می‌توان کلیه افراد ذینفع را در برنامه‌ریزی مشارکت داد و تعارض‌های موجود را از طریق شناسایی نیازهای مهم و ایجاد زمینه‌ها و خواسته‌های مشترک برطرف نمود. به این دلیل نیازسنجی احتمال مشارکت وسیع افراد را امکان‌پذیر می‌کند و با دریافت نقطه‌نظرات مختلف، تجزیه و تحلیل منطقی‌تر امکان‌پذیر می‌شود و تمام اینها منجر به جهت‌گیری مثبت‌تری در طراحی و اجرای برنامه‌ها می‌گردد



۴- رعایت جنبه اقتصادی در مسایل برنامه ریزی

همان طور که در علم اقتصاد نیز مطرح است، استفاده مؤثر از منابع کمیاب در جهت تحقق علایق یا نیازهای مهم، اقتصاد نامیده می شود (Blaugh, 1980, p>64). در زمینه برنامه ریزی نیز خواسته ها و علایق متنوع هستند، در حالی که منابع موجود برای تحقق آنها محدود است. منابع در اینجا، موارد متعددی را دربرمی گیرد. از یک سو منابع و تسهیلات محدودی که برای طرح ریزی و اجرای برنامه ها منظور می شود (نظیر منابع مالی، مادی و انسانی) و از سوی دیگر مواردی نظیر محدودیت های زمانی موجود در مدارس برای اجرای برنامه های درسی، قدرت فراگیری دانش آموزان و به طور کلی طول مدت تحصیل آنها. این مسئله که چه چیز باید در مدارس آموخته شود و کدام موضوع یا محتوا ارزشمندتر است، یکی از مهمترین دلمشغولی های برنامه ریزان را از دیرباز تشکیل می داده است.

به این اعتبار نیازسنجی به برنامه ریزان کمک می کند تا با توجه به محدودیت های فوق الذکر از طریق فرایند نیازسنجی، نیازها را مورد شناسایی قرار دهند و تنها آن دسته از نیازها را مورد توجه قرار دهند که از اولویّت و اهمیت بیشتری برخوردار است. شاید بتوان گفت که شناسایی نیازهای مهم در چارچوب محدودیت های موجود، مهم ترین فلسفه نیازسنجی را تشکیل می دهد.



۵- ضرورت پاسخگویی

به طور کلی پاسخگویی یکی از اجزای مهم طرح‌ها و پروژه‌های مختلف است. به ویژه در سال‌های اخیر آحاد جامعه و نیز متخصصان و افراد حرفه‌ای بحث‌ها و تقاضاهای زیادی را در خصوص ضرورت پاسخگویی در مورد مسائل تعلیم و تربیت مطرح می‌سازند (Burrton and Merrill, 1977, P.22). این بیان در زمینه آموزش و پرورش به این معناست که آنچه که در مدارس تدریس می‌شود، باید برای افراد جامعه محلی و کل کشور سودمند باشد و این که اولیای امور، از جمله برنامه‌ریزان باید برای موفقیت یا شکست

تلاش‌هایشان پاسخگو و مسئول باشند.

در جمع‌بندی اجمالی می‌توان گفت که نیازسنجی می‌تواند نقش بسیار مهمی در تصمیمات داشته باشد و از آنجا که تصمیمات اساسی در خصوص برنامه‌ها در مراحل طراحی و ضمن اجرای برنامه‌ها صورت می‌پذیرد، بنابراین نیازسنجی می‌تواند از طریق تشخیص نیازها در قبل و ضمن آموزش داده‌های مهمی را برای تصمیم‌گیری در اختیار برنامه‌ریزان درسی قرار دهد. (Helmek, 1997, P.86)



دکتر
عبادی



قلمرو نیازسنجی

الف) موضوع نیازسنجی^(۱): منظور از موضوع نیازسنجی عبارت است از اینکه در فرایند سنجش نیازها، چه چیزی در کانون توجه قرار می‌گیرد.

ب) زمینه‌های نیازسنجی^(۲): منظور از زمینه‌های نیازسنجی عبارت است از مجموعه شرایط یا چارچوب‌های اجتماعی که در آن نیازسنجی به انجام می‌رسد.

موضوعات نیازسنجی

نیازسنجی می‌تواند حداقل متمرکز بر سه موضوع زیر باشد:

الف) مردم: منظور از مردم به عنوان موضوع نیازسنجی عبارت است از نگرش‌ها، دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای افرادی که در امر آموزش و پرورش درگیر هستند و یا به نحوی از نتایج فعالیت‌های آموزش و پرورش تأثیر می‌پذیرند.

این موضوع نیازسنجی، یعنی مردم یا افراد، مهم‌ترین قلمرو و هدف نهایی فرایندهای تغییراند که از نیازسنجی منتج خواهد شد. در یک طبقه‌بندی کلی سه دسته از افراد نوعاً در نیازسنجی مدنظر قرار می‌گیرند:

- ۱- دانش‌آموزانی که در مدارس یا مؤسسات آموزشی مشغول به تحصیل هستند.
- ۲- پرسنل آموزشی شامل معلمان، مدیران و کارکنان مدرسه که به طور مستقیم یا غیرمستقیم فعالیت‌های آموزشی را به انجام می‌رسانند.
- ۳- اعضای جامعه یا جامعه محلی مشتمل بر والدین و سایر افراد.



دکتر
عبادی



قلمرو نیازسنجی - ادامه موضوعات

ب) برنامه‌ها: موضوع دوم نیازسنجی، برنامه‌ها می‌باشد. مجموعه برنامه‌هایی که به آموزش و پرورش مربوط می‌شوند را حداقل می‌توان به سه دسته زیر تقسیم نمود:

۱- برنامه‌های درسی و روش‌های آموزشی برای دانش‌آموزان.

۲- برنامه‌های آموزش ضمن خدمت یا آموزش مداوم برای پرسنل.

۳- فرصت‌های یادگیری برای بزرگسالان (نظیر برنامه‌های آموزش خانواده، آموزش جامعه محلی و...). در نیازسنجی، هر یک از این برنامه‌ها با توجه به وضعیت فعلی آنها، هدف‌های آنها و جنبه‌هایی که برای بهبود و بهسازی باید اصلاح شوند، مدنظر قرار می‌گیرد.

ج) سازمان، ارتباطات و ساختار اداری: محور سوم عبارت است از سازمان، ارتباطات و ساختار اداری که مدرسه بخشی از آن محسوب می‌شود. مدارس عمده‌تاً برحسب کلاس‌های درس، پایه‌های تحصیلی یا گروه‌های آموزشی سازمان‌دهی می‌شوند. چون مؤسسات متعددی در آموزش و پرورش درگیر هستند به بخش سازمان، ارتباطات و ساختار اداری باید تعاملاتی را که در "داخل یک مدرسه"، در بین "مدارس مختلف منطقه" و "فراتر از مدارس" وجود دارد و نیز تعاملات با سایر مؤسسات را مدنظر قرار داد. بسیاری از این ارتباطات مشهود و آشکار نیست و حتی در قالب چارت‌های سازمانی و ساختار اداری تعریف شده نیز گاهی نمی‌توان ماهیت این تعاملات را درک کرد.



دکتر
عبادی



قلمرو نیازسنجی - زمینه

از لحاظ زمینه، نیازسنجی مستلزم مشارکت سه نوع سازمان یا مؤسسه است:

الف) نظام آموزش و پرورش ملی، استانی، منطقه آموزشی، مدرسه یا گروهی از مدارس مرتبط، یک گروه آموزشی یا پایه تحصیلی در سطح مدرسه. به طور بالقوه هر یک از

اینها می تواند در چارچوب مؤسسه آموزشی، زمینه نیازسنجی باشد.

ب) مراکز تربیت معلم، یا دانشگاه‌هایی که در سطح جامعه ملی و محلی به کار آموزش معلمان می پردازد.

ج) جامعه یا جامعه محلی: منظور جامعه‌ای است که نظام آموزش و پرورش و مدارس در آن واقع شده‌اند.

در هر یک از زمینه‌های نیازسنجی، موضوعات اصلی (افراد، برنامه‌ها و سازمان) مدنظر قرار می‌گیرد و از طریق ترکیب موضوعات و زمینه نیازسنجی، می‌توان قلمرو نیازسنجی در سطح یک مدرسه را در قالب یک تعامل و ارتباط متقابل به شرح زیر مدنظر قرار داد.



حیطه و قلمرو نیازسنجی آموزشی

موضوعات یا قلمروهای نیازسنجی			زمینه نیازسنجی
افراد	برنامه‌ها	سازمان	
x	x	x	نظام آموزش و پرورش ملی، محلی
			منطقه‌ای، مدرسه‌ای
x	x	x	دانشکده یا مراکز تربیت معلم
x	x	x	جامعه ملی (محلی)



دکتر
عبادی

اصول نیازسنجی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی

۱- اصل تداوم.

۲- اصل جامعیت.

۳- اصل مشارکت.

۴- اصل عینیت.

۵- اصل افزایشی بودن.

۶- اصل سیالی نتایج.

۷- اصل توجه نابرابر.

۸- اصل واقع گرایی.

۹- اصل پویایی.

۱۰- اصل تعهد.



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



[دکتر
عبادی]

اصول نیازسنجی

۱- اصل تداوم: نیازسنجی فرایندی است مستمر. به عبارت دیگر همانند برنامه ریزی که به عنوان

فرایند یا جریان مدنظر می باشد، نیازسنجی نیز یک فرایند مستمر و پویا است. مجموعه تغییر و تحولاتی که در مشاغل، وظایف، ایده، آلها ارزشها و باورها به وجود می آید، ایجاب می کند که فرایند نیازسنجی به طور مداوم و مستمر انجام پذیرد. هنگامی با تحول در روش های انجام امور سازمانی، ظهور ابزارها، و دستگاہ های جدید و ...، دانش و مهارت کارکنان کهنه می شود و به این ترتیب نیازهای جدید به وجود می آید، تغییرات اجتماعی و تحولات فرهنگی، نیازهای دانش آموزان را برای سازگاری با دنیای پویا و در حال تحول، دگرگون می سازد. همه این تحولات ایجاب می کند که نظام های آموزشی به طور مستمر، نیازهای آموزشی جامعه تحت پوشش را مورد سنجش قرار دهند. اصل استمرار و مداومت اشاره می کند که نیازسنجی نمی تواند اطلاعات مورد نیاز برای برنامه ریزی را در بلندمدت تضمین کند. از اینرو مکانیزمی از نیازسنجی ضرورت می یابد تا فرایند جمع آوری و تحلیل اطلاعات برای برنامه ریزی را به طور مداوم و منظم انجام دهد.



دکتر
عبادی



اصول نیازسنجی

۲- اصل جامعیت:

دومین اصل نیازسنجی، جامع بودن این فرآیند است. بنابر اصل جامعیت، از آنجا که براساس اطلاعات حاصل از نیازسنجی، تصمیمات مهم آموزشی و اداری اتخاذ می‌گردد و منابع و امکانات گسترده‌ای برای برنامه‌های آموزشی اختصاص می‌یابد، از اینرو فرایند نیازسنجی باید به طور جامع و همه‌جانبه صورت گیرد. اصل جامعیت ایجاب می‌کند که در بررسی نیازهای یک نظام یا جامعه، تمام ابعاد و ارکان آن نظام و جامعه مورد جستجو قرار گیرد و اطلاعات مربوط به کاستی‌ها، موانع، خواست‌ها و ضرورت‌های گوناگون با استفاده از روش‌های مختلف، جمع‌آوری و مورد تحلیل قرار گیرد.

متأسفانه یکی از مشخصات فنون نیازسنجی رایج در سازمان‌ها آن است که همواره برخی از گروه‌ها یا مشاغل در یک نظام مورد توجه ویژه قرار می‌گیرند و اطلاعات حاصله به اشتباه به سطح وسیع‌تر و حتی کل نظام تعمیم داده می‌شود. اصل جامعیت ایجاب می‌کند که نیازسنجی را به مثابه فرایند پژوهش و تحقیق در نظر بگیریم و در این فرایند



دکتر
عبادی



اصول نیازسنجی

۳- اصل مشارکت:

سومین اصل نیازسنجی بر مشارکتی بودن فرایند نیازسنجی اشاره دارد. به موجب این اصل تمام گروه‌های ذینفع، به ویژه آنهایی که نیازسنجی و تدوین و اجرای برنامه‌ها بر وضعیت آنان تأثیر می‌گذارد، باید در نیازسنجی مشارکت فعال داشته باشند و نقش گروه نیازسنجی، نه تعیین نیازها، بلکه تنها ایجاد هماهنگی و مدیریت جمع‌آوری اطلاعات از گروه‌ها و منابع اطلاعاتی مختلف و سازماندهی آنهاست.

مشارکتی بودن نیازسنجی با کثرت‌گرایی^(۱) در فرایند برنامه‌ریزی، ارتباط تنگاتنگ دارد. بنا به تعریف، کثرت‌گرایی به نظامی اطلاق می‌شود که دارای چند مرکز قدرت و اقتدار قانونی باشد و در آن کلیه گروه‌های ذینفع در تمام سطوح در قدرت تصمیم‌گیری دخیل باشند. به عبارت روشن‌تر در نظام کثرت‌گرا، قدرت تصمیم‌گیری بین تمام گروه‌های مرتبط و قانونی به نحوی توزیع می‌شود که بتوانند در تصمیم‌گیری مداخله نمایند (Robertson, 1993, P. 146).

ویژگی کثرت‌گرایی در نیازسنجی به این معناست که نیازها متأثر از ارزش‌ها، باورها، هنجارها و به طور کلی متأثر از خرده فرهنگ‌ها است (گروه مؤلفان، ۱۳۷۷، ص ۳۱)، و از آنجا که در جامعه (و یا جامعه سازمانی) با خرده فرهنگ‌های متفاوت و متعدد سروکار داریم، و نیز به دلیل آنکه نیازهای افراد و گروه‌ها به واسطه تعلق آنها به خرده فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است، باید فرصت تصمیم‌گیری و انعکاس نیازها در بین آنها توزیع شود.



دکتر
عبادی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی

داده‌ها و شواهد در دسترس بیانگر آن است که آن دسته از نظام‌های برنامه‌ریزی که شرایط و نیازهای اقلیمی و منطقه‌ای را مورد توجه قرار نمی‌دهند، از کارآیی و اثربخشی لازم برخوردار نیستند (Bary, 1996). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عدم مشارکت و تمرکزگرایی صرف در نیازسنجی عموماً منجر به شکست می‌گردد (Lewy, 1991, P.13). در

چنین وضعیتی، شمار محدودی از کارشناسان به دور از نظرات و دیدگاه‌های استفاده‌کنندگان از محصولات آنها، برنامه‌های یکسان را برای افراد و گروه‌های مختلف در مناطق گوناگون تجویز می‌نمایند (Sowell, 1996, P.108).

با عنایت به شواهد در دسترس، ضرورتاً نیازسنجی باید یک فرایند مشارکتی باشد و در آن کلیه افراد و گروه‌های متأثر از نیازسنجی و برنامه‌ریزی مشارکت فعال داشته باشند و گروه نیازسنجی نیز تنها به عنوان هماهنگ‌کننده^(۱) عمل نماید. در غیر این صورت تصویر دقیقی از نیازها ترسیم نخواهد شد و برنامه‌های منتج از مطالعات نیازسنجی در عمل قرین موفقیت نخواهند بود.



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی

چهارمین اصل نیازسنجی بر قابلیت اعتماد و عینی بودن نیازسنجی تأکید دارد. مهم‌ترین مسأله‌ای که در اکثر طرح‌ها و پروژه‌های نیازسنجی جای تردید و ابهام دارد، معتبر بودن نتایج و دور بودن از جنبه‌های ذهنی و سلیقه‌ای است. به عبارت روشن‌تر در اینجا مسأله این است که تا چه حد داده‌های حاصل از نیازسنجی، تصویر درستی از واقعیت را منعکس می‌کند.

عینیت در نیازسنجی با مقولهٔ داده‌های نیازسنجی ارتباط بسیار نزدیکی دارد. به طور کلی در فرایند نیازسنجی حداقل سه دسته از داده‌ها را می‌توان از یکدیگر متمایز کرد: الف) داده‌های هنجاری^(۲): این داده‌ها عمدتاً ریشه در ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های افراد و گروه‌ها دارد.

ب) داده‌های کمی^(۳): که به صورت اعداد و ارقام بیان می‌شوند و اندازه‌گیری و مقایسه را تسهیل می‌کنند.

ج) داده‌های کیفی^(۴): که وضعیت فرد یا گروهی از افراد را مشخص می‌کند و بیشتر ذهنی بوده، مستلزم تعبیر و تفسیرند (Pack wood, 1989, Barrow, 1990).



مشخصه افزایشی بودن نیازسنجی، به درجه تعیین و صراحت نیازها در هر یک از سطوح نیازسنجی بستگی دارد. به موجب این اصل، نیازسنجی‌ها در سطوح مختلف تصمیم‌گیری از لحاظ میزان و درجه تعیین و تشخیص با یکدیگر تفاوت دارند. به عبارت دیگر نیازهایی که در یک سطح معین، مشخص می‌گردند؛ نه تنها در مورد همان سطح بلکه در مورد سطح پایین‌تر (محدودتر) مصداق دارد. علاوه بر این در سطح از سطوح مفروض نیازسنجی، نه تنها باید نیازهای تعیین شده در سطح بالاتر مدنظر قرار گیرد، بلکه نیازهای ویژه‌ای در آن سطح خاص (که مختص همان سطح است) نیز وجود دارد. به این دلیل هر قدر که از سطوح وسیع‌تر به سمت سطوح محدودتر حرکت کنیم، نیازها پیوسته افزایش می‌یابد و با محدودتر شدن قلمرو نیازسنجی، نیازهای خاص آن قلمرو نیز بر داده‌های نیازسنجی افزوده خواهد شد (Smith, 1988).

برای مثال در صورتی که هدف از نیازسنجی، طراحی برنامه آموزش ضمن خدمت برای معلمان مدارس ابتدایی باشد، هنگامی که نیازسنجی در سطح ملی انجام می‌شود، نیازهای احصاء شده در مورد کلیه معلمان، مصداق دارد. اما در صورتی که در مرحله بعد، نیازسنجی را به معلمان مدارس ابتدایی استان محدود کنیم، علاوه بر نیازهای حاصله از نیازسنجی ملی، نیازهای ویژه‌ای نیز که مختص معلمان مدارس ابتدایی استان خاص است، بر داده‌های نیازسنجی افزوده خواهد شد



اصول نیازسنجی

۶- اصل سیالی نتایج نیازسنجی:

اصل سیالی نتایج نیازسنجی با مسأله میزان ثبات و پایداری نتایج نیازسنجی مرتبط است. از لحاظ نظری، نیازها خواه در برداشت عینی آن (منشعب از داده‌های سخت) و خواه در برداشت ذهنی آن (ناشی از داده‌های نرم) مفهومی در حال تغییر هستند و با تغییر و تحولات محیطی و اجتماعی، متحول می‌شوند. این امر اشاره می‌کند که در نیازسنجی با پدیده‌ای به نام "ناپایداری نتایج" مواجه هستیم و اینکه داده‌های حاصل از نیازسنجی در بلندمدت قابل اتکاء و اعتماد نیستند. اما در عین حال توجه به این نکته حائز اهمیت است که بسته به سطح تصمیم‌گیری و هدف از اجرای نیازسنجی، نتایج نیازسنجی از ثبات متفاوتی برخوردار است. برای مثال نیازسنجی برای تدوین هدف‌های آموزش و پرورش که عموماً هدف‌ها و مقاصد آموزشی نظام آموزش و پرورش را به تصویر می‌کشد، از ثبات نسبتاً بالایی برخوردار است ولی نیازسنجی دانش‌آموزان یک مدرسه خاص، عمدتاً داده‌هایی را به همراه خواهد داشت که برای دانش‌آموزان یک پایه تحصیلی خاص در سال تحصیلی معینی قابل استفاده می‌باشد و با تغییر جمعیت دانش‌آموزی، بخش مهمی از داده‌ها تغییر خواهد کرد.



دکتر
عبادی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی

همواره در فرایند نیازسنجی، منابع متعدد و متنوعی برای جمع‌آوری اطلاعات وجود دارد. برای مثال در حوزه برنامه‌ریزی درسی، منابع اصلی اطلاعاتی عبارتند از جامعه، یادگیرنده، موضوع درسی (تایلر، ۱۳۷۶)، یا در حوزه برنامه‌ریزی آموزش ضمن خدمت، منابع اطلاعات، درون سازمانی (نظیر سیاست‌ها و خط‌مشی‌های سازمان، پرسنلی که قرار است آموزش برای آنان طراحی شود، مدیران آنها، اسناد و مدارک، ارزیابی‌ها و ...)، و برون سازمانی (نظیر سوابق اقدامات آموزشی در سایر سازمان‌ها، نظرات متخصصان و صاحب‌نظران مرتبط با رشته‌های شغلی، پژوهش‌های انجام شده، نوآوری‌ها و ...) می‌باشند. اگرچه بررسی تمام این منابع برای دستیابی به اطلاعات جامع و دقیق ضروری است، اما نمی‌توان برای تمام آنها ارزش و اهمیت یکسانی قایل شد.

اصل توجه نابرابر در نیازسنجی تلویحاً به این امر اشاره می‌کند که در فرایند سنجش نیازها میزان تأکید بر هر یک از منابع اطلاعاتی تابعی است از میزان اطلاعات موجود در هر یک از آنها، سطح تصمیم‌گیری، قابلیت احصاء اطلاعات، مراحل نیازسنجی و متغیرهای مرتبط دیگر. بنابراین با توجه به این متغیرها، ممکن است یک یا چند منبع از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار باشد و گروه نیازسنجی اقدام به وزن‌دهی به منابع اطلاعاتی نماید. در نتیجه نمی‌توان و نباید توجه‌ای یکسان و برابر نسبت به منابع اطلاعاتی متعدد مبذول داشت.



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی



نیازسنجی آموزشی

مفهوم واقع گرایی در نیازسنجی به امر اطلاعات باز می‌گردد. نیازسنجی باید فرایندی "واقع‌گرایانه" (۱) باشد. به عبارت دیگر نیازسنجی فرایندی است که به موجب آن اطلاعات "دقیق"، "عملی" و "سودمند" برای برنامه‌ریزی فراهم می‌گردد. به عبارت دقیق‌تر، نیازسنجی باید اطلاعاتی را فراهم کند که برای تدوین و اجرای برنامه‌ها مورد استفاده قرار گیرد (عملی بودن)، اطلاعات فراهم شده باید مربوط و مناسب باشد (سودمندی)، و در عین حال از دقت و کفایت لازم برخوردار باشد و تصویر روشنی از واقعیات موجود ارائه

نماید (دقت) (Sowell, 1996). بنابراین فرایند نیازسنجی باید برای واقع‌گرایانه بودن، اطلاعات دقیق، عملی و سودمند را فراهم کند.



این اصل با آنچه که در مبحث جایگاه نیازسنجی در برنامه‌ریزی گفته شد، ارتباط و همپوشی نزدیک دارد. به موجب این اصل، برنامه‌ریزی اساساً فرایندی پویا و جامع و دربرگیرنده مؤلفه‌های، طراحی، اجرا و ارزشیابی است. بنابراین نیازسنجی نیز می‌تواند به عنوان یک فرایند پویا در نظر گرفته شود که در کلیه مراحل برنامه‌ریزی دارای کاربرد عملی و مؤثر است.



و بالاخره آخرین اصل نیازسنجی مربوط به تعهد نسبت به اجرای فرایند نیازسنجی است. از لحاظ لغوی، تعهد عبارت است از اعتقاد به امری و ایمان داشتن به آن (Hornby, 1997, P.228). هر فعالیت نظام‌داری که مستلزم تخصیص منابع، زمان و انرژی باشد، نیازمند وجود تعهد است زیرا مطالعات نشان می‌دهد که احتمال موفقیت هر طرح یا برنامه‌ای تنها هنگامی افزایش می‌یابد که مجریان و شرکت‌کنندگان نسبت به آن نوعی تعهد و احساس مسئولیت داشته باشند (Soriano, 1995, P.28)، بنابراین موفقیت نیازسنجی در برنامه‌ریزی نیز بستگی تام به وجود تعهد و ایمان عمیق نسبت به اهمیت و ضرورت آن دارد.

لازمه‌ی توجه به اصل تعهد آن است که قبل از مطالعات نیازسنجی باید تعهد درونی لازم را در کلیه افراد دخیل نسبت به نیازسنجی به وجود آورد. برای حصول به چنین هدفی باید "شرایط تسهیل‌کننده" را شناسایی نمود و از آن به عنوان ابزاری برای توسعه تعهد درونی استفاده کرد. به طور کلی سه نوع شرایط تسهیل‌کننده در نیازسنجی را می‌توان برشمرد

الف) وجود نارضایتی در خصوص فعالیت‌ها یا نتایج برنامه‌ها که در عمل منجر به ایجاد فشار برای اصلاح و برطرف کردن مسایل از سوی نیروهای موجود در نظام آموزشی (سازمان) یا خارج از آن می‌گردد.

ب) زمانی که تغییرات معینی در برنامه به صورت قانونی و مصوب در شرف تکوین باشد.

ج) حصول اطمینان از این که برنامه‌های موجود، نیازها را متحقق نمی‌سازند.



مسایل اساسی نیازسنجی

توجه

نیازسنجی به عنوان یک حوزه تخصصی، بسیار جوان و در حال رشد است. این بخش از فرایند برنامه‌ریزی دارای مسایل و ویژگی‌های خاصی می‌باشد و عدم توجه به آنها اعتبار و صحت اطلاعات حاصل از نیازسنجی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

۱- مسئله اول مربوط به نیازهاست. نیازها مفاهیم گول‌زننده‌ای هستند زیرا آنچه که برای یک فرد یا جامعه نیاز محسوب می‌شود، ممکن است برای فرد یا جامعه دیگر نیاز محسوب نگردد. از اینرو در فرایند نیازسنجی نباید اطلاعات مربوط به بخش خاصی از کارکنان، معلمان و دانش‌آموزان را به کل نظام، سازمان یا جامعه تعمیم داد. گذشته از این، نیازهای فرد یا گروهی خاص در زمان‌های مختلف، متفاوت است. از اینرو اطلاعات و داده‌های حاصل از نیازسنجی فقط در کوتاه‌مدت قابل استناد است. این مسئله نشانگر آن است که نیازسنجی باید به طور مداوم و در کوتاه‌ترین فاصله ممکن تکرار شود و اطلاعات موجود براساس یافته‌های جدید تغییر یابد. بنابراین استفاده از اطلاعات مقطعی در خصوص نیازها در برنامه‌های بسیار طویل و دراز مدت، بدون بهنگام‌سازی داده‌های مربوط به نیازها منطقی به نظر نمی‌رسد.



دکتر
عبادی



مسایل اساسی نیازسنجی

«نظرات و عقاید مختلف درباره نیازها». در فرایند ایجاد هماهنگی بین نظرات مختلف درباره نیازها، دستیابی به توافق کامل امکان پذیر نیست.

۳- به علت مسائل و مشکلات مربوط به روایی و اعتبار وسایل اندازه گیری، سنجش نیازها همواره با درجاتی از خطا همراه است و اطلاعات حاصل از نیازسنجی نمی تواند کاملاً مبین واقعیات باشد.

۴ در فرایند نیازسنجی، یکی از محورهای اساسی تعیین نقاط مطلوب یا بایدها است و این کار نیز مستلزم داورِ ارزشی است. به عبارت دیگر مطلوبیت را ارزشها و هنجارهای افراد معین می نمایند. این امر نیز برقراری توافق میان افراد در خصوص هدفها و نیازها را خدشه دار می سازد.

۵- در فرایند نیازسنجی، همواره ایده آلها مطرح می شوند، و ایده آلها امور مربوط به آینده هستند، در حالی که پیش بینیها براساس وضع و شرایط موجود صورت می گیرد. از آنجا که شرایط آینده تغییر می کند، تعیین مطلوبیت آتی براساس اطلاعات و نگرشهای فعلی ممکن است کاملاً درست نباشد.



مسایل اساسی نیازسنجی

۶- علی‌رغم سابقه زیاد نیازسنجی، فنون و الگوهای نیازسنجی در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی و درسی عمدتاً جوان بوده و در عمل با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. به عبارت دیگر:

اولاً اطلاعات ما درباره روش‌های نیازسنجی بسیار محدود و اندک است.
ثانیاً در خصوص تکنیک‌ها و روش‌ها و مؤثرترین آنها برای جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات، اتفاق نظر وجود ندارد.

و... نیاز نظام آموزشی ما... نیازسنجی است



دکتر
عبادی

آینده در تسخیر آینده اندیشان است

